

# امام کریم

## و نکته‌هایی از آیات وحی

کریم تبریزی

۳. «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»؛<sup>۳</sup> «پاینده است خدایی که قرآن را بر بنده‌اش فرستاد تا برای جهانیان هشدار دهنده باشد.»  
 و یکی از دلایل خاتمیت رسول اکرم ﷺ مسئله جاودانی بودن قرآن است. امام هادی علیه السلام به این نکته مهم در ضمن بیانی عالی اشاره کرده است:  
 یعقوب بن سکیت نحوی - از مدافعان سرسخت اهل بیت علیه السلام که جانش را نیز در این راه گذاشت -

قرآن برنامه زندگی برای تمام انسانهای عالم از صدر اسلام تا قیامت است. احکام و معارف و حیانی آن آحاد بشر را در تمام اعصار و مکانها به سوی زندگی برتر و سعادت بخش رهنمون می‌شود. آیات متعددی بر جهانی بودن احکام قرآن دلالت می‌کند که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا»؛<sup>۱</sup> «ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم.»
  ۲. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَلِمَةً بِلُغَتِكَ»؛<sup>۲</sup>
- «ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم.»

۱. اعراف / ۱۵۸.  
 ۲. سبأ / ۲۸.  
 ۳. فرقان / ۱.

۷۵۴۶

می‌گوید: از پیشوای دهم پرسیدم: چرا قرآن با نشر و آموزش و گذر زمان باز هم هر روز بر تازگی‌اش می‌افزاید: امام علیه السلام فرمود: «لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لَزْمَانَ دُونَ زَمَانٍ وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»<sup>۱</sup> چون خداوند تبارک و تعالی آن را برای زمان مشخصی نفرستاده که برای دیگر زمانها حکمی نداشته باشد و برای مردم خاصی نفرستاده که دیگر مردم از معارف آن محروم باشند. بنابراین، قرآن در هر زمان و نزد هر ملتی تا روز قیامت تازگی دارد.»

طبق این سخن، آیات وحی همواره مورد نیاز بشر بوده و در آینده نیز خواهد بود. قرآن در هر عصری و برای هر ملتی سخن تازه و اندیشه‌ای پویا مطرح می‌کند و هیچ قومی از آن بی‌نیاز نیست. این سخن ناپلئون بناپارت شنیدنی است که می‌گوید: «کجاست آن روزی که ما مجمع و هیأتی بزرگ از سیاستمداران و دانشمندان حقوق جهان تشکیل داده، قرآن کلام الهی و متین‌ترین قوانین محمدی، همان نسخه پرافتخار بشری

را پیش رو گذاریم و از روی آن قوانین سعادت حقیقی بشر را تنظیم و تدوین کنیم»<sup>۲</sup>

نظر به اهمیت فراوان توجه به قرآن در زندگی و سیره اهل بیت علیهم السلام در این فرصت، به بیان برخی از اندیشه‌های امام هادی علیه السلام در عرصه فضیلت، تفسیر و استدلال به آیات قرآن می‌پردازیم.

#### بیان شأن نزول آیات

حضرت هادی علیه السلام در راستای تبلیغ معارف قرآن و آموزه‌های رسول اکرم صلی الله علیه و آله به تفسیر و شأن نزول آیات اشاره می‌کرد و در فرصتهای مناسب به روشنگری اهل ایمان می‌پرداخت. خداوند متعال در آیه ۱۰۸ سوره بقره از بهانه‌های بی‌جا و خواسته‌های کفرآمیز برخی از مسلمانان ضعیف‌الایمان و عده‌ای از مشرکان سخن گفته، با هشدار به اینکه درخواستهای نابه‌جا ممکن است زمینه ساز کفر باشد،

۱. اعلام الدین، حسن بن ابی‌الحسن دلمی، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق، ص ۲۱۱.  
۲. چهل داستان از عظمت قرآن، مصطفی محمدی، قم، نشر زائر، ص ۶.

۷۰۳۷

می‌فرماید: «أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سَأَلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»؛ «آیا می‌خواهید از پیامبر خود همان را بخواهید که قبلاً از موسی خواسته شد؟ و هر کس کفر را با ایمان عوض کند، مسلماً از راه درست گمراه شده است.»

امام هادی علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید: «آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله معجزه‌ای را می‌خواستند که به صلاحشان نبود، همانند رؤیت خداوند به صورت آشکارا. پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان اعلام کرده که این خواسته به مصلحت نیست؛ اگر باز هم اصرار کنند و بعد از دیدن آن همه معجزه و برهان ایمان نیاورند و لجاجت کنند، از راه مستقیم که به بهشت می‌رود، منحرف و گمراه خواهند شد.»

سپس حضرت به شأن نزول آیه پرداخته، می‌فرماید: «ده نفر یهودی تصمیم گرفته بودند که با سؤالات و خواسته‌های نابه‌جا، رسول خدا صلی الله علیه و آله را بیزارند و به این منظور، به حضورش رسیدند و معجزات غیر معقول از آن

حضرت خواستند. در همان حال، عربی بادیه نشین با کوله‌باری سنگین به حضور حضرتش وارد شد و گفت: ای محمدا! خواسته مرا پاسخ ده! من برای حقانیت نبوت تو حجتی آشکار می‌خواهم و به کمتر از آن قانع نیستم.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را صدا زد و به اعرابی فرمود: تو بیان و حجتی آشکار خواستی و این دارای بیان رسا و علم کامل است. اساساً من شهر حکمت و این مرد در آن است. و با صدای بلند در میان حاضرین فرمود: ای بندگان خدا! هر که می‌خواهد به شکوه آدم و حکمت شیت و شرافت و هیبت ادریس، و بندگی و شکرگزاری نوح، دوستی و وفای ابراهیم، تجسم مبارزه با دشمنان خدا در وجود موسی، نیکرفتاری و محبت به اهل ایمان در سیره عیسی بنگرد، به این علی بن ابی طالب علیه السلام نظاره کند.

اعرابی گفت: ای محمدا! من از او چیزی نمی‌پذیرم، مگر اینکه این سوسمار شهادت دهد. آن‌گاه او به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله آن حیوان عظیم الجثه را با زحمت فراوان از کوله بارش

۷۰۳۸

بیرون آورد و در مجلس رها کرد. سوسمار رو به پیامبر ﷺ ایستاد و گونه‌های خود را به خاک مالید و به اذن خداوند و با صدای رسا گفت: شهادت می‌دهم که هیچ معبود حقی جز خدا نیست. او که یگانه و بی‌شریک است. شهادت می‌دهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده و برگزیده اوست. او سرور رسولان، برترین آدمیان، خاتم پیامبران و رهبر سفید رویان است. شهادت می‌دهم که این برادرت علی بن ابی طالب ﷺ با همان اوصاف و فضائل است که خود فرمودی. دوستانش در بهشت محترم و دشمنانش در دوزخ خوار و ذلیل اند. عرب بادیه نشین با دیدن این صحنه منقلب شد و در حالی که دانه‌های اشک به گونه‌هایش می‌لغزید، گفت: ای رسول خدا! من نیز به شهادت‌های سوسمار شهادت می‌دهم و آن‌گاه به یهودیان حاضر گفتم: وای بر شما! بعد از این نشانه آشکار دنبال چه می‌گردید! شما راهی نداشتید جز اینکه یا ایمان بیاورید و یا همگی نابود شوید. همه یهودیان حاضر ایمان

آوردند و به عرب گفتند: ای برادر عرب! برکت سوسمارت بر ما چه بزرگ و با عظمت بود! **برکات قرائت قرآن**

ابی عمرو خدّاء از یاران امام جواد ﷺ می‌گوید: بی‌کاری، بلا تکلیفی و فقر و بدهکاری چنان فشاری در زندگی برایم آورده بود که دیگر تحمل آن را نداشتم. به ناچار به حضور حضرت جواد ﷺ نامه‌ای نوشته، از اوضاع پریشان زندگی‌ام شکایت کردم. امام ﷺ در پاسخ صبر و بردباری و قرائت سوره نوح را توصیه کرد. یک سال به قرائت این سوره مداومت داشتم؛ اما تغییری در وضع زندگی‌ام ایجاد نشد. دوباره نامه نوشتم و از امام جواد ﷺ یاری طلبیدم. امام در پاسخ فرمود: حالا به قرائت سوره قدر پرداز!

چند روزی نگذشته بود که این ابی داود به سراغم فرستاد. قرض‌هایم را

۱. تفسیر امام عسکری ﷺ، قم، مدرسه امام مهدی ﷺ، ۱۴۰۹ ق، ص ۴۹۶؛ تفسیر البرهان، سید هاشم بحرانی، طهران، مؤسسه البعثة، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۳۰۲.

۷۵۴۹

ادا و مخارج خود و خانواده‌ام را تأمین کرد. او مرا به بصره فرستاد و به عنوان نماینده خود در منطقه باب کلاه انتخاب کرد و پانصد درهم حقوق برایم تعیین کرد.

من که با توسل به قرآن و با راهنمایی امام نهم ﷺ به تمام آرزوهایم رسیده و به زندگی راحت و مرفهی دست یافته بودم، روزی به توسط علی بن مهزیار از بصره به حضور امام هادی ﷺ نامه‌ای نوشتم و عرضه داشتم: فدایت شوم! من زمانی از پدر بزرگوارت سؤالاتی کردم و رهنمود خواستم و در مورد سختی و فشار زندگی به آن گرامی شکایت کردم و در اثر رهنمودهای زندگی‌ساز آن حضرت به آنچه که می‌خواستم، دست یافتم. ای آقای من! دوست دارم شما هم مرا راهنمایی کنید؛ آیا فقط به مداومت سوره قدر در نمازهای واجب و غیر آن پردازم یا در کنار تلاوت کنم؟ یا این عمل آدابی دارد که باید آن را رعایت کنم؟ چه دستوری می‌فرمایید؟

۷۵۴۰

امام پاسخ داد: هرگز تلاوت قرآن را کم یا زیاد رها مکن و قرائت سوره قدر در یک شبانه روز ۱۰۰ مرتبه کافی است.<sup>۱</sup>

### برکات سوره هل اتی

این سوره یکی از مهم‌ترین دلایل برتری اهل بیت ﷺ بر دیگران می‌باشد؛ چرا که مفسران شیعه و بسیاری از مفسران برجسته اهل سنت می‌گویند: بخشی از آیات این سوره درباره علی، فاطمه زهراء و حسنین ﷺ نازل شده است. این موضوع آن‌چنان مسلم و تردیدناپذیر است که محمد بن ادریس شافعی پیشوای شافعی مذهب‌بان در شعر معروف خود می‌گوید:

إِلَىٰ مِ الْإِنِّي مَ وَحَسْبِي مَتْنِي  
أَعْلَيْتَ فِي حُبِّ هَذَا الْفَتْنِي  
وَهَلْ زَوَّجْتَ فَاطِمَةَ غَيْرُهُ؟  
وَفِي غَيْرِهِ هَلْ أَتَى، هَلْ أَتَى؟<sup>۲</sup>

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۱۹؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۵؛ موسوعة المصطفی و العترة، ج ۱۲، ص ۲۴۳.  
۲. شرح احقاق الحق، آیه الله نجفی مرعشی، قم، نشر کتابخانه مرعشی، ج ۳، ص ۱۵۸.

«تا کی و تا چه زمانی در دوستی این جوان سرزنش خواهم شد؟ آیا فاطمه زهراء به غیر این جوان شوهر دیگری داده شد؟ آیا سوره هل اتی به غیر از او در مورد کس دیگری هم نازل شد؟»

این سوره که به اتفاق اکثر مفسرین در مدینه نازل شد، علاوه بر دارا بودن نکات جالب تربیتی و اخلاقی، برکات معنوی فراوانی را در خود جای داده است. علی بن عمر عطار می گوید: در روز سه شنبه به محضر امام هادی علیه السلام رفتم. حضرت فرمود: تو را دیروز ندیدم! گفتیم: من سفر در روز دوشنبه را دوست ندارم. امام علیه السلام فرمود: ای علی! هر کس می خواهد خداوند او را از حوادث بد و شر در روز دوشنبه حفظ کند، در رکعت اول نماز صبح در روزهای دوشنبه سوره «هل اتی» را بخواند. سپس امام علیه السلام این آیه را قرائت کرد: «فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُزُورًا»<sup>۱</sup> خداوند آنان را از شر آن روز نکه می دارد و آنها را با شادابی و شادمانی می پذیرد.<sup>۲</sup>

#### نکته ای در آیه مباهله

مباهله یکی از شیوه های مناظره و مقابله با طرف مخالف است؛ به این ترتیب که افرادی که با یکدیگر درباره یک موضوع مهم مذهبی گفتگو دارند، در یک جا جمع می شوند و به درگاه خدا تضرع می کنند و از او می خواهند که دروغگو را رسوا ساخته، مجازات کند. قرآن به داستان مباهله رسول خدا صلی الله علیه و آله با مسیحیان نجران اشاره کرده، می فرماید: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»<sup>۳</sup> «بگو بیایید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و ما از نفوس خود و شما هم از نفوس خود را فرا خوانیم. سپس مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.»

امام هادی علیه السلام در معنای این آیه به نکته ظریفی اشاره دارد که فهم آن برای اهل تحقیق قابل توجه است. عیاشی

۱. انسان / ۱۱.

۲. تفسیر نور الثقلین، عبد علی هویزی عروسی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ج ۵، ص ۴۶۷.

۳. آل عمران / ۶۱.

سمرقندی می نویسد: امام هادی علیه السلام در تفسیر این آیه به یک سؤال قرآنی پاسخ می دهد. سؤال این است که اگر خداوند مستعال پیامبرش را که دروغگو نمی دانست و آن حضرت صادق ترین انسان روی زمین بوده است، پس چرا لعنت را بر دروغگویان قرار داده و دروغ را به دو طرف نسبت می دهد؟ امام علیه السلام در پاسخ این سؤال فرمود: «اگر می فرمود: بیایید با همدیگر مباهله کنیم و لعنت خدا را بر شما قرار دهیم، آنان هرگز به مباهله نمی آمدند و گرنه خدا می داند که پیامبرش پیامهای او را به مردم می رساند و هرگز دروغگو نیست.»<sup>۱</sup>

#### پاسخ به پرسشهای فقهی

از وظائف امامان معصوم علیهم السلام و همچنین جانشینان آن بزرگواران، رفع مشکلات فقهی و بیان احکام شرعی بر اساس قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است. امام هادی علیه السلام نیز در این زمینه تلاشهای فراوانی انجام می داد که مواردی را در اینجا بیان می کنیم:

الف. ابو عبد الله زیادی می گوید: وقتی که متوکل عباسی مسموم شد،

نذر کرد که اگر خداوند متعال او را شفا بخشد، اموال زیادی در راه خدا صدقه دهد. اتفاقاً او سلامتی خود را به دست آورد و از آن گرفتاری سخت نجات یافت. هنگام ادای نذر از فقهای معاصر سؤال کرد که چه مقدار صدقه دهد تا نذرش ادا شده باشد؟ آنان در مقدار نذر و مصداق «مال کثیر» اختلاف کرده، هر کدام سخنی را مطرح کردند. یکی از مشاورانش به او گفت: ای امیر! اگر من پاسخ صحیح این مشکل را برای شما بیآورم، مرا در نزد شما چه پاداشی خواهد بود؟ متوکل گفت: اگر جواب صحیح را بیآوری، ده هزار درهم پاداش می گیری و گرنه صد تازیانه بر تو خواهم زد. او گفت: می پذیرم. آن گاه به پیشگاه امام دهم علیه السلام آمده و مشکل را مطرح کرده، پاسخ خواست. امام فرمود: «هشتاد درهم صدقه ده!» وقتی که جواب را به متوکل داد، متوکل دلیل و مبنای حکم را خواست. امام هادی علیه السلام در بیان مبنای حکم فرمود: «خداوند در قرآن

۱. تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، طهران، نشر چاپخانه علمیه، ج ۱، ص ۱۷۶.

۷۰۴۲

۷۰۴۱

به پیامبرش می فرماید: «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ»<sup>۱</sup> «خداوند شما را در جاهای بسیاری یاری کرد [و بر دشمن پیروز شدید]». و شمار مواطینی که خداوند پیامبرش را یاری کرده، به هشتاد مورد می رسد. متوکل از این پاسخ قرآنی خوشحال شد و مشاورش را تشویق کرد.<sup>۲</sup>

ب. در عصر متوکل عباسی، مردی مسیحی با زنی مسلمان عمل شنیع زنا را مرتکب شد. آن گاه اسلام آورد و شهادتین بر زبان جاری ساخت. مأموران حکومتی او را دستگیر کرده، نزد متوکل آوردند. علمای حاضر در مجلس در مورد این موضوع نظرهایی ابراز داشتند. یحیی بن اکثم از مهم ترین عالمان عصر گفت: مسلمان شدن او زشتی کفر و عمل ناپسندش را از میان می برد. در نتیجه، حد شرعی بر او جاری نمی شود. عده ای از فقها نیز گفتند: باید به او سه بار حد شرعی جاری کرد. بزخمی دیگر نظرات متفاوتی دادند.

خلیفه با مشاهده این اختلافات در تصمیم گیری دچار حیرت شد؛

ناگزیر پاسخ امام هادی علیه السلام را جویا شد. حضرت فرمود: «به آن مرد مسیحی زناکار آن قدر باید شلاق بزنی تا بمیرد.»

یحیی بن اکثم و سایر فقها زبان به اعتراض گشودند و مبنای شرعی این فتوا را زیر سؤال بردند و گفتند: ای امیر! چنین حکمی در کتاب خدا و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله وجود ندارد. از او مدرک این حکم را بخواه!

هنگامی که متوکل از امام علی النقی علیه السلام مدرک خواست، حضرت با اشاره به آیاتی از سوره غافر چنین نوشت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - قَلَمًا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَخَدَعُوا قُلُوبَنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ قَلِمَ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيْمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سَبَّ اللَّهُ الَّذِي قَدْ خَلَقَ فِي عِبَادِهِ وَحَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ»<sup>۳</sup> «پس چون عذاب ما را دیدند [از روی اضطراب و نگرانی] گفتند: ما به خدای یگانه ایمان آوردیم و به آنچه که قبلاً شریک خدای

۱. توبه / ۲۵.

۲. المناقب، ابن شهر آشوب سازندرانی، انتشارات علامه، ج ۴، ص ۴۰۲.  
۳. غافر / ۸۴-۸۵.

۴۰

یگانه قرار داده بودیم، کافر گشتیم؛ اما هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند، ایمانشان برای آنها سودی نداشت. این سنت خداوند است که همواره در میان بندگان اجرا شده و کفار در آنجا زیان کار گردیدند.»

متوکل پاسخ امام هادی علیه السلام را پسندید و دستور داد به آن مرد مسیحی فاسق، آن قدر شلاق بزنی تا بمیرد.<sup>۱</sup>

بهبانه‌های مشرکان مکه

حضرت امام علی النقی علیه السلام مناظره و احتجاج رسول خدا صلی الله علیه و آله را با مخالفین خود به وسیله آیات قرآن نقل می کرد و استدلالهای قرآنی پیامبر صلی الله علیه و آله را توضیح می داد. امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: به پدرم امام هادی علیه السلام عرضه داشتیم: آیا حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله با مشرکان مناظره و گفتگو می کرد؟ فرمود: بلی، در موارد متعددی آن حضرت با مشرکان مکه مناظره رو در رو داشت و برخی آیات قرآن نیز آن را نقل می کند.

امام هادی در مورد گفتگوها و بهبانه‌های واهی مشرکان فرمود: «روزی عبد الله بن ابی امیه مخزومی از

سران لجوج قریش به آن حضرت گفت: ای محمدا ما به تو ایمان نخواهیم آورد، مگر اینکه از همین بیابان سنگلاخ و کوهستانی مکه چشمه‌ای برای ما پدید آوری: «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوهَا»<sup>۲</sup>

آنان بهبانه‌های دیگری نیز گرفتند و گفتند: «مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلِ إِلَيْنَا مِنْ سَمَاءٍ مَاءً يَسْقَى كُلُّ الْبَشَرِ مِنْهُ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ»<sup>۳</sup> «چرا این پیامبر غذا می خورد و در بازارها [مثل دیگران] راه می رود؟ پس چرا فرشته‌ای به سوی او نازل نمی شود تا در کنار او مردم را [از عذاب خدا] بیم دهد؟ چرا برای او گنجی فرستاده نمی شود؟ یا اینکه دارای باغی نمی باشد تا از میوه جات آن بخورد!» رسول خدا صلی الله علیه و آله علاوه بر معجزات فراوان، پاسخ منطقی و قانع کننده نیز به آنان بیان می کرد؛ اما آنان نمی پذیرفتند.<sup>۴</sup>

۱. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، ج ۲۸، ص ۱۴۱.

۲. اسراء / ۹۰.

۳. فرقان / ۸-۷.

۴. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، ج ۱، ص ۲۹.

۴۱